

Journal iranian political sociology
Vol. 5, No.12, Esfand 2023

<https://doi.org/10.30510/psi.2022/311614/2539>

Abstract

One of the issues that has become very important in recent years is the role of women and girls in education. Today, Iranian women and girls play an important role in various economic, political, social and cultural fields. In the meantime, one of the most important factors underlying such progress in society is the role of women. In the past, Iranian women did not have these facilities due to some problems and many limitations, but today their role has been increasing. It can be said that one of the first steps of women in the development of education was during the Qajar period, during which women made great efforts to achieve an important position in society. And since having literacy and education and education literacy has been one of the necessary conditions to fulfill this role, so they tried to develop it. The present article seeks to answer the question of what role do women and girls play in the development of education? In response to this question, the author has proposed a descriptive-analytical hypothesis that women have a significant role in the development of education.

Keywords: education, women, girls, development,

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران،

سال پنجم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۱، صص ۲۲۳۷-۲۲۴۸

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.311614.2539>

مطالعه نقش زنان و دختران در توسعه آموزش

محدثه صیادیان^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

دکتر موسی عنبری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

چکیده

یکی از مسائلی که در سال های اخیر از اهمیت زیادی برخوردار شده است، نقش زنان و دختران در آموزش است. امروزه زنان و دختران ایرانی در زمینه های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نقش مهمی را ایفا می کنند. در این میان، یکی از مهم ترین عوامل زمینه ساز چنین پیشرفتی در جامعه نقش زنان است در گذشته زنان ایران به دلیل وجود برخی مشکلات و محدودیت های زیاد از این امکانات برخوردار نبودند اما امروزه نقش آن ها رو به فزونی بوده است. شاید بتوان گفت یکی از اولین قدم های زنان در توسعه آموزش به در زمان قاجاریه بوده است که در این دوره زنان برای رسیدن به مقام و جایگاهی مهم در جامعه تلاش فراوانی کردند. و از آن جایی که برخوردار بودن از سواد و تحصیلات و سواد آموزش یکی از شرایط لازم برای تحقق این نقش بوده است بنابراین در توسعه آن کوشیدند. مقاله حاضر در پی پاسخگویی به این سوال است که زنان و دختران چه نقشی در توسعه آموزش دارند؟ نویسنده در پاسخ به این سوال به روش توصیفی-تحلیلی این فرضیه را مطرح کرده است که زنان نقش بسزایی را در توسعه آموزش دارند.

کلمات کلیدی: آموزش، زنان، دختران، توسعه،

(ارشد مدیریت توسعه روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)^۱

(گروه مطالعات توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)^۲

۱- مقدمه

برخورداری از امکانات آموزشی و پرورشی یکی از نیازهای اصلی هر کشور است چرا که یکی از شاخصه‌های مهم در انتخاب جامعه‌ای به عنوان جامعه پیشرفته، توزیع عادلانه امکانات آموزشی بدون تبعیض می‌باشد. این امکانات نه تنها میان طبقات گوناگون امعه بلکه در هر شهر و روستایی از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. امروزه نمونه‌هایی از این تبعیض‌ها در میان زنان و مردان دیده می‌شود که مشکلات زیادی را به وجود آورده است. اما در این بین، ارائه تصویری کلی از نحوه نقش زنان در آموزش و نحوه شکل‌گیری آن از اهمیت زیادی برخوردار است. به همین خاطر است که نگارنده مقاله حاضر به در بررسی نقش زنان و دختران در توسعه آموزش انتخاب کرده تا با توسعه آموزش برخی از این تبعیض‌ها کاهش یابند.

۲- پیشینه آموزش در ایران

۲-۱- دوران باستان

در ایران باستان، آموزه‌های دین زرتشت زرتشت بر مسئله آموزش تأثیر اساسی داشت و جهت‌گیری تعلیم و تربیت در راستای پرورش افکار و گفتار و کردار نیک، پیوندهای خانوادگی، تعالیم مذهبی و آمادگی‌های نظامی متمرکز بود. در وندیداد، یکی از کتابهای دین زرتشت آمده است: «اگر شخصی بیگانه یا هم‌کیش یا برادر یا دوست، برای تحصیل هنر نزد شما آمد، او را بپذیرید، و آن چه می‌خواهد به او بیاموزید» (صدیق، ۱۳۵۴: ۵۶). و نیز در دینکرد، دیگر کتاب متعلق به زرتشتیان آمده است: «تربیت را باید مانند زندگی مهم شمرد و هر کس باید به وسیله پرورش و فراگرفتن خواندن و نوشتن، خود را به پایگاه ارجمند برساند» (کشاوری، ۱۳۸۲: ۸۱).

البته امر تعلیم و تربیت به صورت رسمی در اغلب دوره‌های ایران باستان، امری عمومی و همگانی نبود و آموزش به منزله ضرورتی اجتماعی در اختیار صاحبان قدرت بود (درانی، ۱۳۷۶: ۲۵).

خواندن و نوشتن و حساب کردن تنها شامل اشراف زادگان می‌شد که باید برای امور فرماندهی و دادرسی و نگهداری دفاتر و مالیات، تربیت می‌شدند. یکی از مهم‌ترین تعالیمی که جوانان و نوجوانان دوران در ایران باستان دریافت می‌کردند، تربیت بدنی و آموزش نظامی بود که هدف از آن، دفاع از مرزها و سرحدات و پرورش روحیه سلحشوری و جنگاوری و حفظ وحدت بود و

شامل تعلیمی هم چون سوار کاری، تیراندازی، شکار، چوگان، زوبین اندازی و شنا می شد (صدیق، ۱۳۷۶: ۷۶-۷۷). آموزش در دوران ساسانی، پایگاه های اخلاقی و اجتماعی و ملی قوی داشت و سیستم آموزشی به خط پهلوی در جریان بود. مهم ترین دستاورد آموزشی این دوران، دانشگاه بزرگ جندی شاپور بود که در زمان خود با پذیرش صدها دانشجو از سراسر جهان و گردآوری فرهنگ ها و علوم ایرانی و هندی و یونانی، در توسعه و پیشرفت علوم زمان خود نقش به سزا داشت و پس از اسلام نیز، نقش مهمی در دسترسی مسلمانان به علوم دیگر و ترجمه آن ها به عربی و لاتین ایفا کرد.

در دوران اسلامی نیز آموزش در ایران به صورت مکتب خانه ای داشت و با توجه ویژه ای که دین اسلام به امر دانش اندوزی و وجود آن بر هر مرد و زن مسلمان نموده بود، نه تنها فرزندان امیران و بزرگان که تحصیل مردم عادی نیز امکان پذیر بود و در این دوران از خانه های دهقان زادگان و کشاورزان و پیشه وران، دانشمندان و فلاسفه شهیری برخاستند و بنیان های علمی آن روزگار را حیات دوباره بخشیدند. « اولین مدرسه های دولتی که در جهان اسلام پدید آمدند، مدارس نظامیه بودند که در قرن پنجم هجری توسط خواجه نظام الملک طوسی بنیان گذاشته شد و معروفترین آن ها، مدرسه نظامیه بغداد بود» (حسین زاده، ۱۳۸۸: ۱۰۰). با وجود این امر تحصیل، به دلیل هزینه و دشواری کار و وقت گیری قراروان در میان عامله مردم رایج نبود و مکتب خانه ها پذیرای تعداد اندکی از محصلین آن زمان بودند.

۲-۲-دنیای غرب

در دنیای غرب هم در جوامع صنعتی، تعلیم و تربیت تنها در دسترس افراد معدودی بود که وقت و پول لازم برای دنبال کردن آن را داشتند. تنها گروه های با سواد اغلب رهبران مذهبی یا کشیشان بودند که از دانش خود برای تفسیر متون مذهبی استفاده می کردند. و اکثریت مردم به امور خانه داری و کشاورزی و دامداری مشغول بودند و بزرگترین آموزش آن ها، فراگیری، همان حرفه و مهارت پیشینیان بود. خواندن و نوشتن در زندگی روز مره آنان ضروری یا حتی سودمند نبود.

دلیل عمده دیگری که چرا افراد اندکی از آموزش برخوردار می شدند، دست نویس بودن کتب و منابع علمی بود و همه متون می بایست با زحمت بسیار با دست نوشته و نسخه برداری می شد. صنعت اختراعی چاپ توسط گوتنبرگ، این وضعیت را تغییر داد و پس از آن مطالب و کتب و اسناد بسیاری در زمینه های گوناگون نوشته و در جوامع تکثیر می شد. این امر سطح اطلاعات و دانش عمومی را به شکل بی سابقه ای افزایش داد. فرایند صنعتی شدن در کتاب پیشرفت هر چه بیشتر علوم و تخصصی شدن آن، موجب افزایش تقاضا برای آموزش های تخصصی گردید و در دهه های نخستین قرن نوزدهم، نظام مدارس ابتدایی آغاز به فعالیت نمود.

۲-۳-ایران معاصر

در ایران معاصر، شکل گیری آموزش به شکل مدرن با تاسیس مدرسه دارالفنون توسط امیر کبیر آغاز شد. « بعد از جنبش مشروطیت و توجه روشن اندیشان به عوامل عقب ماندگی کشور، رویکرد نوین به تعلیم و تربیت، اهمیت ویژه ای یافت به طوری که مساله

معارف از انحصار طبقات خاص خارج شد و گونه ای همگانی یافت. در فاصله میان مشروطیت تا استقرار حکومت پهلوی، مدارس به سبک جدید در تهران و گوشه و کنار کشور تاسیس شد که اکثریت آن پسرانه بود و مدارس دخترانه سهم چندانی از بودجه و حمایت های دولتی نداشت (یزدانی، ۱۳۷۸: ۴۷).

اما تغییر اساسی در سیستم آموزشی کشور در دوران پهلوانی اول صورت پذیرفت که در سال ۱۳۱۲ و زیر نظر شورای عالی معارف، «مقرر شد سیستم آموزش مدارس فرانسه، به عنوان سیستم الگوی مدارس ایرانی پذیرفته شود، به موجب این نظام، دانش آموزان باید دو دوره شش ساله ابتدایی و دبیرستان را بگذرانند و پس از پایان این دوره ها، گواهینامه پایان تحصیلات از اداره معارف دریافت کنند» (همراز، ۱۳۷۶: ۵۵). با تاسیس دانشگاه تهران، دانش آموزان می توانستند پس از پذیراندن دوره دبیرستان، در رشته های ادبیات، فلسفه علوم تربیتی، پزشکی و حقوق به تحصیل بپردازد.

۳- نقش زنان در توسعه مدارس دخترانه

با پیروزی جنبش مشروطه، تعداد مدارس دخترانه در تهران و شهرهای بزرگ فزونی یافت که دو علت عمده داشت، اول، اعتقاد مشروطه خواهان و تجدد خواهان به موثر بودن توسعه سواد آموزی و تحثیل علم در تحول فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور حامل دوم، شکل گیری بستر قانونی و اداری برای رشد و توسعه آموزشی نوسن و ساماندهی برنامه و کتب درسی (میرهادی، ۱۳۹۳: ۱۱۵). نخستین مرحله رشد نظام آموزش در سال های پس از مشروطیت در فاصله سال های ۱۲۸۸ تا ۱۳۰۴ شمسی، بود در این این سال ها نیاز به مدارس جدید محسوس بود و مردم خود به طور فردی و شخصی به تاسیس مدارس می پرداختند. مصوبات و قوانین نیز به این امر کمک می کرد. هم چنین افرادی چون مرتضی قلی خانی صنیع الدوله، میرزا ابراهیم خان حکیم الملک، میرزا احمد خان نصیر الدوله و مرتضی قلی خان ممتاز الملک در دوران تصدی وزارت معارف قدم های موثری در این راستا برداشتند (نفیسی، ۱۳۷۸: ۶).

در زمانی که مدارس جدید به طور نسبی مورد پذیرش عموم قرار گرفت، دولت در سال ۱۲۹۰ شمسی قانون اساسی فرهنگ را به تصویب رساند. با تصویب این قانون، تعلیمات ابتدایی اجباری شد، وضعیت مدارس سامان و نظم بیشتری گرفت، شرایط تاسیس مدارس، نظام نامه داخلی، چگونگی بازرسی، شرایط مدیر و معلم به طور دقیق مشخص شد. مدارس به دو گروه ملی و دولتی تقسیم شدند که بر این اساس بودجه مدارس ملی از طریق گرفتن شهریه از محصلین و مدارس دولتی از طریق بودجه دولتی تامین می شد، دوره تحصیلی شامل ریاضی، طبیعی، ادبی، کشاورزی، خانه داری، حرفه ای، بازرگانی و اداری بود. دروسی که در این مدارس تدریس می شد، شامل فارسی، عربی، جغرافیا، زبان انگلیسی و ... بود. و امتحانات در پایان هر سال تحصیلی برگزار می شد. این قانون توانست کلیه مدارس را تحت پوشش قوانین دولتی قرار دهد و تاحدی نسبت به قبل سازمان یافته تر و منظم تر عمل کند (صدیق، ۱۳۵۲: ۱۲۴). هم چنین در رمضان ۱۳۲۹ مجلس شورای ملی، وزارت معارف را موظف به تاسیس ۹ مدرسه ابتدایی، ۶ کلاسه در تهران، مشهد، شیراز، تبریز و کرمان کرد که برای هر کدام از مدارس نیز بودجه ای در نظر گرفته شد. نصف از

محصّلین مجانی و نصف دیگر غیر مجانی بودند. در سال های ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۹ در تهران مدارس پرورش دوشیزگان و معارف نسوان تاسیس شد (ایران نو، ۱۳۲۷: ۱)

۴- اهمیت آموزش زنان در توسعه جوامع

امروزه تقریباً محرز شده است که آموزش و پرورش به طور کلی و آموزش زنان به عنوان نیمی از نیروی جامعه به طور ویژه، زیربنای توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جوامع است. سرمایه گذاری در آموزش زنان نه تنها شکاف جنسیتی را کاهش می دهد، بلکه موجب ارتقای سطح بهره وری، تولید بیشتر و درآمد بالاتر خواهد شد (عماد زاده، ۱۳۸۲: ۱).

آموزش زنان از عوامل موثر توانمند سازی زنان، کاهش نابرابری های اجتماعی و کاهش آسیب پذیری های ایشان است و عامل مفیدی در توسعه انسانی، حفظ محیط زیست، سلامت اجتماعی، بهداشت روانی و فردی به شمار می آید. آموزش زنان از جنبه های گوناگون بر اهداف زیر بنایی اجتماعی و اقتصادی و توسعه پایدار تاثیر می گذارد.

۵- وضعیت آموزش دختران در ایران و جهش کمی و کیفی آن

در گذشته در ایران نیز، کوشش مربیان بیش تر این بود که دختران را فقط برای زندگی سالم خانوادگی آماده کنند و به کارهای علمی و فکری آنان توجه لازم نمی شد، زیرا تصور می کردند که زنان تنها برای خانه داری و تولیدمثل و پرورش کودک خلق شده اند و حضور اجتماعی آنان ضرورتی ندارد و حتی مضر می باشد (حسینی، ۱۳۸۲: ۱۸۵-۱۹۰) اما این رویه به تدریج تغییر کرد. زن امروز در سه قلمرو اصلی نیاز به شناخت دارد:

۱. در قلمرو تکامل انسانی خود

۲. در قلمرو زندگی خانوادگی

۳. در قلمرو پیشرفت های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی (پروین، ۱۳۸۵: ۲۳-۳۲).

زنان علی رغم محدودیت های گوناگون، توانسته اند گام های بلندی در مسیر ارتقاء وضعیت مادی و معنوی خود بردارند. خودباوری زنان و نقش تربیتی و تأثیری که بر فرزندان و همسران می توانند باقی گذارند، هم چنین پایداری و علاقه ی زنان و دختران به حضور در صحنه های اجتماعی، جزء عوامل مثبت و اثربخش است و پذیرش استقلال نسبی زن را، به عنوان یک شهروند آزاد، می طلبد. با توجه به اهمیت نقش زنان و دختران در حوزه های مختلف، و به خصوص در امور آموزشی، در مواد ۱۱۱، ۱۰۱، ۱۰۰، ۹۸، ۷۱ و ۵۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، بر توجه بیش تر به فراهم آوردن زمینه های لازم برای توانمندسازی و تقویت نقش زنان در جامعه تأکید شده است. به گونه ای که ماده ی ۱۱۱، دولت را موظف کرده است که «با هدف تقویت نقش زنان در جامعه، توسعه ی فرصت ها و گسترش سطح مشارکت آن ها، برای تدوین،

تصویب و اجرای برنامه اقدام کند» (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راه‌بردی ریاست‌جمهوری، ۱۳۸۵) در کشور ما در دهه‌ی اخیر عواملی نظیر ارتقاء سطح آگاهی زنان و دختران، اصلاح برخی نگرش‌ها و تأثیرپذیری کشور از تحولات جهانی، موجب افزایش مشارکت این قشر و اقبال عمومی برنامه‌ریزان نسبت به حضور زنان در فعالیت‌های توسعه‌ای شده است (رنجبریان، ۱۳۹۰: ۸۴-۹۲) حضور فکری زنان متفکر و خلاق سبب رشد امور اقتصادی و اجتماعی جامعه می‌گردد. افزایش سطح تحصیلات زنان و دختران و ورود آنان به بازارکار نیز عامل مؤثر دیگری است که به عنوان مقوله‌ی تأثیرگذار در افزایش مشارکت بانوان و عرضه‌ی نیروی کار، مؤثر است.

بررسی قوانین موجود، نشان می‌دهد که زنان ایران، مشکل اساسی‌ای از لحاظ قانونی ندارند؛ لکن عوامل اقتصادی، فرهنگی و سنتی ویژه‌ای، در قالب قوانین نانوشته، مانع مشارکت کامل زنان در روند توسعه و استفاده از مزایای توسعه‌اند. به عنوان نمونه، در حالی که در بسیاری از کشورها (حتی کشورهای توسعه‌یافته) سازمان‌هایی، با صرف هزینه‌های بسیار، می‌کوشند راه را برای حضور هر چه بیشتر زنان و دختران -به‌ویژه در سطوح عالی مدیریتی و آموزشی- بگشایند؛ در کشور ما، گاه ملاحظه می‌شود که مسائلی چون افزایش شمار دانشجویان دختر، موجب ابراز نگرانی شده است! دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۱ (۳-۲۷) پدیده‌ی موفقیت‌های تحصیلی دختران در سال‌های اخیر، روند رو به رشدی داشته است. طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۰ هر سال، به طور متوسط، ۵/۵ درصد به تعداد دختران دانش‌آموز (۲/۰ درصد بیش از پسران) افزوده شده است و تعداد آن‌ها از ۳ میلیون نفر به ۹ میلیون نفر رسیده است و تعداد دختران دبیرستانی نیز از ۴۰۰ هزار نفر به بیش از ۳/۲ میلیون نفر افزایش یافته است. این جهش تحصیلی، نسبت دختران را در آموزش عالی، از حدود ۲۸ درصد در سال ۱۳۵۷ به ۴۹ درصد در سال ۱۳۸۱ رسانده است. به‌طوری‌که نسبت ۳۱۲ دانشجو‌ی دختر (به ازای هر ۱۰۰ هزار زن) در سال ۱۳۵۷، به حدود ۲۲۵۰ نفر در سال ۱۳۸۱ رسیده است (پیوند، ۱۳۷۸: ۵۸) این پدیده پیامدهای مختلفی داشته است. تا آن‌جا که گروهی بر این عقیده‌اند که موفقیت دختران در دانشگاه‌ها، تعادل اجتماعی جامعه را برهم خواهد زد! حال آن‌که باید اذعان کرد که این روند، صرف نظر از علل آن، پدیده‌ای است که، مسیر توسعه را برای بانوان می‌گشاید. جوانی جمعیت کنونی می‌تواند پتانسیل مناسبی برای طی کردن مسیر توسعه باشد و در این میان دختران با دستیابی به آموزش عالی می‌توانند در کوتاه‌کردن این مسیر گامی اساسی بردارند.

پژوهش‌ها زمینه‌های عینی، ذهنی و فرهنگی را در موفقیت و پیشرفت دختران در آموزش، مؤثر نشان می‌دهد و در این میان سهم عوامل عینی مانند رشد شهرنشینی، توسعه‌ی ارتباطات و رسانه‌ها و امکانات آموزشی و نیز دلایل جامعه‌شناسانه، مانند تغییر نگرش جامعه‌ی ایرانی به مدرسه و آموزش، قابل توجه است؛ اما پرداختن به عوامل درونی و انگیزه‌های دختران برای دستیابی به سطوح بالاتر آموزشی، هم اهمیت بسیار دارد. تحصیل برای دختران تنها ارزش آموزشی و حرفه‌ای ندارد بلکه دارای ارزش اجتماعی است. دختران به این وسیله، موقعیت اجتماعی خود را در ارتباط با خانواده و جامعه، تحکیم می‌بخشند. از فواید اجتماعی تحصیل برای دختران، برخورداری از آزادی بیش‌تر در خانواده و موقعیت بهتر در رابطه با اطرافیان و نیز امکان مشارکت مؤثر در

۱. افزایش شمار دختران در برون‌دادهای آموزش متوسطه، انگیزه‌ی بالای دانش‌آموزان دختر به منظور رسیدن به محیط اجتماعی مناسب، عدم توازن در ارائه‌ی رشته‌های مورد نیاز و ...

تصمیم‌گیری‌ها، است. میان فعالیت‌های یادگیری با مدارج و مدارک تحصیلی، میزان درآمد، کسب هویت، حضور فعال، موقعیت اجتماعی و دستیابی به حقوق و آزادی‌های اساسی، یک رابطه‌ی خطی وجود دارد که درخواست‌ها برای آموزش را افزایش می‌دهد.

البته علاقه‌ی فردی و کنجکاوی علمی نیز انگیزه‌ی مهمی در موفقیت‌های تحصیلی دختران است که تا اندازه‌ای توانسته در برابر انگیزه‌های حرفه‌ای (ورود به بازار کار) و محدودیت‌های فراوان آن قرار بگیرد. این عوامل، خودآگاه یا ناخودآگاه، واکنش و مقاومتی در برابر جامعه‌ی مردسالار و طغیانی در برابر نظم موجود، می‌باشد.

۶- نقش زنان و دختران آموزش دیده در توسعه اقتصادی و اجتماعی

مفهوم توسعه که تا سال ۱۹۹۰ با شاخص‌های ثرفا اقتصادی تعریف می‌شد از این سال به بعد جای خود را به توسعه انسانی داد و شاخص‌های آن به آموطش، امید به زندگی و اشتغال تغییر پیدا کرد. در نتیجه، ارتقای نیروی انسانی که شامل آموزش و تجارب شغلی و حرفه‌ای بود، در دستور کار دولت‌ها قرار گرفت. به این تربیت توجه به زنان و تلاش برای بهبود شاخص‌های جنسیتی به ویژه آموزش ریال از مبانی توسعه قراز گرفت. آموزش در مفهوم کلی آن، ایجادکننده تغییر در نگرش‌ها و رفتارهای فرد تغییر شد و زنان به عنوان عامل تغییر و دسترسی آنان به آموزش و عدم تبعیض جنسیتی عامل اساسی جهت پیشبرد توسعه معرفی گشت. « مطالعات اقتصاددانان در زمینه ساختار دستمزدها نشان می‌دهد که هر سال تحصیل اضافی، افزایش مشابهی را در متوسط نیروی کار مرد و زن به وجود آورده است. برآوردهای میزان بازده خصوصی سرمایه گذاری در آموزش نشان داده است بازده زنان عمدتاً بیش از مردان و هزینه فرصت ادامه تحصیلات برای زنان به طور نسبی پایین تر است. در حوزه مالیات عمومی، تحصیلات بیشتر زنان بی آن که از سهم مردان بکاهد، موجب مشارکت بیشتر آنان در بازار کار و فعالیت‌های تولیدی درآمد زا شده و پایه مالیاتی جامعه را وسعت می‌بخشد. جوامعی هم چون کشورهای جنوب شرقی آسیا ک هدر دهه‌های اخیر در تحصیلات زنان بیش از مردان سرمایه گذاری کرده و توانسته اند شکاف جنسی در نظام آموزشی را از بین ببرند، باعث افزایش مشارکت زنان در بازار کار و دستیابی به رشد اقتصادی بالا در کشورهايشان شده اند. در برخی کشورهای فقیر آفریقایی هم چون کنیا که به تحصیلات زنان توجه شده و فرصت‌های آموزش بین زنان و مردان به صورت برابر وزیع شده، تفاوت‌های عمده بین مناطق فقیر و فنی کاهش یافته، سطح بهداشت و سلامت مردم ارتقا یافته، اختلاف طبقاتی به طور نسبی کمتر شده و رشد اقتصادی بالاتری حاصل شده است. بر عکس در کشورهایی هم ون خاورمیانه که زنان تحصیلات کمتری دارند و شکاف جنسی آموزش هم چنان موجود است، میزان رشد جمعیت بالا است. تعداد بی سوادان قابل توجه است، فقر بیداد می‌کند، میزان سرمایه گذاری‌های داخلی پایین است و کمترین سرمایه‌های خارجی جذب می‌شود». این مسایل نشان دهنده همبستگی فراوان میان حضور زنان تحصیل کرده در بازار کار و رشد اقتصادی است. ضمن این که کار برای زنان یک نیاز اجتماعی است و نباید آن را فقط به متغیرهای اقتصادی فرو کاست. (عماد زاده، ۱۳۸۲: ۱۳۶).

بنیان جامعه، خانواده است و خانواده های آموزش دیده، جامعه ای آموزش دیده را در پی دارند. از سوی دیگر اگر آموزش را یکی ارکان توسعه بدنیم بدون در نظر گرفتن زنان که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند، دست یافتن به توسعه و آموزش عمومی میسر نخواهد بود. چرا که زنان معلمان واقعی جامعه هستند بنابراین زنان اثر بسزایی را بر پروژه های توسعه کشور دارند. حتی اگر نقش زنان به روشنی در طراحی و اجرای برنامه ها در نظر گرفته نشود آن ها نقش تعیین کننده ای را دارند. به طور کلی زنان نقش بسیار مهمی در آموزش جامعه و سطح اولیه خانواده خود دارند و به دلیل جایگاه و نقش بارز و مشخصی که در تربیت و رشد نسل های آینده دارند، از مهم ترین عوامل منتقل کننده فرهنگ و یا به عبارتی آفرینش انگارهای فرهنگی به شمار می روند. به طور کلی مشارکت زنان در آموزش عالی یک واقعیت چند وجهی و دارای پیامدهای گوناگون است. این افزایش مشارکت که بر ابعاد کمی استوار است، باید با عنایت به کیفیت و محتوا، هدایت و برنامه ریزی گردد.

دیر زمانی است که در دنیا ایده های رایج در نظریه پردازی آموزشی با چشم پوشی از امر جنسیت، زنانگی و مردانگی را همانند ویژگی های قومی و نژادی بی اهمیت تلقی می نمایند.

اگرچه این نگرش در پی سالها ظلم و بی عدالتی رفته بر زنان در محافل علمی و آموزشی شکل گرفته، لیکن نتیجه این ساده اندیشی، افراطی در پی تفریط دیگری است.

در تدوین موفق یک الگوی کیفی جامع، در کنار حضور زنانی متعهد و متخصص در ساختار آموزش عالی کشور، توجه به نیازهای عینی جامعه، پیش شرط کارآمدی است.

در این بین آنچه ضروری است حرکت به سمتی است که بتوان ارزشها و اصول ثابت دین را با اعتماد به نفس در کالبد تحول پذیر نسل آینده اعم از پسر و دختر جاری و استوار به حرکت درآورد (نوری، لازمه حرکت در این راستا در گام نخست شناسایی دکترین مهدویت و ترسیم مسیر توسعه و در نهایت به روزسازی ۱۳۸۷) تمامی امکانات برای جهانی سازی مهدوی است که این امر بدن توجه به نقش تربیتی و ظرفیت های بالای اجتماعی امکان پذیر نیست. توسعه در جامعه مهدوی به تغییر نگرش های جنسیتی بستگی دارد به خوبی می دانیم در جمع ۳۱۳ یار امام مهدی (عج) قریب به ۵۰ نفر از بانوان حضور دارند که دقت در این امر و مقایسه آن با رویدادهای اسلامی در طول تاریخ نشان می دهد که به نسبت آنها بانوان در میان مبارزان و یاران حضرت مهدی (عج) نقش بارزتر و شاخص تری دارند به طوری که یک ششم از کل یاران را شامل می شوند که این امر حکایت از اهمیت نقش بانوان دارد.

حال برای رفع محرومیت های زنان در جامعه ناچار و برای نیل به آرمان های جامعه مهدوی به فرهنگ سازی و ایجاد جامعه مدنی نیازمند هستیم که این امر نیز جز در سایه تلاش های مداوم امکان پذیر نیست.

با توجه به حضور پرتلاش زنان ایرانی در انقلاب سال ۵۷ می توان گفت این فعالیت‌ها بر مبنای باورها و آرمانهای آنان در دفاع از حقوق انسانی صورت گرفت .

حال با درک این واقعیت اگرچه تغییر نگرش‌های جامعه در گرو سیستم آموزشی است ولی این امر بدون کمک رسانه‌هایی نظیر سینما، کتاب و... میسر نمی‌شود .

در بررسی سیر تاریخی توجه به زنان در رویدادهای اجتماعی ، اولین حرکت اجتماعی ، سیاسی ای که به طور یکسان در سیره نبوی و به دعوت قرآن به چشم می خورد شرکت همسر پیامبر در حرکت های نمادینی بود که با اقتدار تمام پیدایش و ظهور دین جدیدی را نوید می داد .

حضور آن بانو در کنار رسول خدا (ص) و برپایی نماز جماعت در کنار کعبه بهترین شاهد بر ضرورت حضور زنان مؤمنه در چنان مواقعی است .

شجاعت خدیجه(س) در کنار موقعیتی که رسول خدا(ص) برای این حضور و بروز می گشود حکایت از تحولی عمیق در زندگی زنان آن عصر بود .

زنانی که تا آن روز، وصف یا حضورشان مایه گرمی محافل فسق و فجور بود، اینک نشان و نماد جدی ترین حضورند . با تامل در این واقعه بعید نیست که حرکت های قیام گونه مهدوی در دوران حکومت آن حضرت و یا در دوران انتظار نسخه ای بروز شده و الهام گرفته از چنین وقایعی باشد که این امر هم آموزش است و هم آثار تربیتی دارد.

نتیجه گیری

زنان یکی از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی متأثر از کیفیت زندگی و در عین حال مؤثر بر آن می‌باشند. این گروه عظیم اجتماعی از آن‌جا که ارتباط مؤثری با گروه‌های اجتماعی جامعه دارند، علاوه بر وظایف شخصی و خانوادگی نقش فعالی را در پیشرفت‌های اجتماعی و توسعه‌ی پایدار آن ایفا می‌کنند. آنان بایستی از توانایی و قابلیت نیل به هدف‌های خویش برخوردار باشند. افزایش سطح توانمندی، دست‌یابی ایشان به هدف‌های موردنظر را تسهیل خواهد کرد.

گرچه از بعد آماری، زنان و دختران، نیمی از پیکره‌ی جامعه را تشکیل می‌دهند ولی بی‌تردید، تربیت قشر عظیمی از جامعه به عهده آنان می‌باشد. بی‌توجهی به مسائل زنان، استقبال از چالش‌ها در خانواده و پذیرش بحران‌های اجتماعی در جامعه است. آموزش و پرورش در ایران، روندی پر فراز و نشیب را پشت سر گذاشته است. مردمان به ویژه زنان بسیاری در راه تحقق ارمان‌ها و اهداف آموزش بر بهبود و موقعیت زنان به ویژه بر وضعیت آموزش تلاش‌های فراوانی داشته‌اند. زنان سنگ بنای آموزش مدرن دختران ایرانی را بر شالوده فرهنگ جامعه بنیاد نهاده‌اند. و همین تلاش‌ها بوده است که زمینه‌ای باعث شده است نقش گسترده‌تری را برای ایفای نقش‌های گوناگون در عرصه‌های مختلف کشور مطرح نمایند.

منابع

۱. اسحاق حسینی، سیداحمد، (۱۳۸۲)، «زنان؛ مشارکت و برنامه‌ریزی برای توسعه پایدار» (مجموعه مقالات)، تهران: برگ زیتون،
۲. حسین زاده شانه چی، حسن ۱۳۸۸، «تاریخ آموزش در اسلام، چاپ اول، قم، انتشارات بین المللی المصطفی،
۳. درانی، کمال، ۱۳۷۶، «تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام، چاپ اول، انتشارات سمت،
۴. دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی، (۱۳۸۱)، بررسی و تحلیل افزایش سهم زنان در آموزش عالی، مجموعه‌ی مطالعات زنان، شماره سوم.
۵. رنجبریان، رسول، (۱۳۹۰)، «زنان و مشارکت اجتماعی و کارآفرینی»، ماه‌نامه کار و جامعه، شماره صدوسی و دوم.
۶. صدیق، عیسی، ۱۳۷۶، «تاریخ مختصر تعلیم و تربیت، تهران، روشنایی
۷. عماد زاده، مصطفی، ۱۳۸۲، «اهمیت سرمایه گذاری در آموزش زنان، نشریه زن در توسعه و سیاست، شماره ۷
۸. غیائی، پروین، (۱۳۸۵)، «نقش زنان در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، مجموعه مقالات همایش ملی زن، اسلام و پژوهش، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد لارستان،
۹. کشاورزی، محمد علی، «تاریخ آموزش و پرورش در ایران و اسلام، چاپ اول، تهران، انتشارات روز بهان،

۱۰. معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راه‌بردی ریاست‌جمهوری، (۱۳۸۳)، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز مدارک علمی، موزه و انتشارات.

۱۱. میر هادی، منیر السادات، ۱۳۹۳، تاریخچه مدارس ملی آرامنه جلفای اصفهان، کلیسای ونک

۱۲. نفیسی، سعید، ۱۳۷۸، گزارشی از وضعیت مدارس از مشروطیت تا پهلوی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران

۱۳. همراز، ویا، ۱۳۷۶، نهادهای فرهنگی در حکومت رضاشاه، مجله تاریخ معاصر ایران، شماره اول.

۱۴. یزدانی، مرضیه، ۱۳۷۸، تاسیس داروالعلمیات و تحصیلات بانوان، نشریه گنجینه اسناد، شماره ۳۵